

خلیج فارس واسناد مکتوب

محمد رضا داروغه شاهرود خ ابن یمین - دوم پ ۵ تلفن ۰۲۷۳۲۲۲۴۳۵۱

عباسعلی داروغه شاهرود دانشگاه پیام نور ۰۹۱۲۲۷۳۱۱۲۴

چکیده:

مدارک بی چون و چرای تاریخی از منابع یونانی و رومی گرفته تا منابع پرشمار دوران بعد از اسلام به عربی و فارسی به روشنی حکایت از آن دارند که دست کم از دوران هخامنشیان به بعد در نوشته‌های یونانی و کتیبه‌های موجود در ایران همیشه این پهنه گسترده و مهم استراتژیکی به نام خلیج فارس یا فارس و دریای پارس خوانده شده است. طبق مدارک و اسناد معتبر اسلامی و عربی نیز این خلیج به نام خلیج یا بحر فارس نامیده می‌شد.

مورخان و محققان دنیای قدیم از جمله محمد بن نجیب بکیران؛ ابن البلخی؛ شرف‌الزمان طاهر مروزی؛ ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن ادریس؛ شهاب‌الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله حموی رومی؛ ابو عبدالله زکریا بن محمد بن محمود قزوینی؛ شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن ابی طالب الانصاری الدمشقی الصوفی به ترتیب واژه‌ها و عبارات: «بحر پارس - دریای پارس (و هم بحر پارس) - الخلیج الفارسی - بحر فارس - دریای پارس (و هم بحر فارس) - دریای پارس - بحر فارس (و دریای پارس) - بحر فارس و بحر الفارسی (و بحر فارس)» را در معرفی و ذکر خلیج فارس به کار برده‌اند.

جرجی زیدان، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم الهمدانی، صبحی عبدالکریم، دکتر انیس فریجه، ابو عبدالله زکریا بن محمد بن محمود القزوینی، ابوعلی احمد بن عمر، الطاهر بن مطهر المقدسی، مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی،

ابوالقاسم بن محمد بن حوقل، ابوالقاسم عیبدالله بن عبدالله بن احمد بن خرداد به خراسانی، بزرگ بن شهریار الناخته هرمزی، ابوریحان محمد بن احمد البیرونی الخوارزمی، محمد بن نجیب بکیران، فلاویوس آریانوس، پرسیکون کای تاس، استرابون، کوین توس کورتیوس روفوس، کلودیوس پتوله ما اوس

در آثار و نوشته‌های خود این دریا را دریای پارس و یا خلیج فارس نامیده‌اند.

مقدمه

نام «خلیج فارس» ریشه در ژرفای تاریخ و تمدن بشر دارد و تمدن بشر از آغاز تا سال ۱۹۵۸، نام دیگری بر این دریا ننشیده بود.

مدارک بی چون و چرای تاریخی از منابع یونانی و رومی گرفته تا منابع پرشمار دوران بعد از اسلام به عربی و فارسی به روشنی حکایت از آن دارند که دست کم از دوران هخامنشیان به بعد در نوشته‌های یونانی و کتیبه‌های موجود در ایران همیشه این پهنه گسترده و مهم استراتژیکی به نام خلیج فارس یا فارس و دریای پارس خوانده شده است. طبق مدارک و اسناد معتبر به دست آمده به ویژه کتیبه‌ای که در موقع حفر کانال سوئز به دست آمد این خلیج به نام دریای پارس نامیده می‌شد.

مورخان و محققان دنیای قدیم از جمله هرودت، نئارخوس، استرابون و کورسیوس در آثار و نوشته‌های خود این دریا را دریای پارس و یا خلیج فارس نامیده‌اند.

بطلمیوس دو قرن پیش از میلاد این خلیج را پرسپکوس سینوس نامید که به معنی خلیج فارس است. همین نام در نقشه جهان هنریکوس مارتلوس در سال ۱۴۹۲ میلادی نیز به کار رفته است.

در نوشته‌های جغرافی‌دانان و سفرنامه‌نویسان عرب و ایرانی همه جا با عنوان خلیج فارس، خلیج عجم، دریای فارس و یا بحر فارس از این پهنه یاد شده است که گاه دریای عمان و فراتر از آن را نیز جزء محدوده خلیج فارس آورده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان از المسالک و الممالک ابن خردادبه، البدان ابن فقیه، مسالک الممالک اصطخری، مسعودی، مقدسی، ابن حوقل، یاقوت حموی، ابوریحان بیرونی، حمدالله مستوفی و گروه پرشمار دیگر یاد کرد. ابن بطوطه نیز در شرح سفر خود در این پهنه از آن با نام دریای فارس سخن می‌گوید.

وقتی به بررسی نام خلیج فارس در اسناد و منابع تاریخی می‌پردازیم همواره نام این خلیج با فارس همراه بوده است.

خلیج فارس نامی است به جای مانده از کهن ترین منابع، زیرا که از سده های قبل از میلاد سر بر آورده است، و با پارس و فارس _ نام سرزمین ملت ایران _ گره خورده است .

خلیج فارس، دریای کم عمق و نیمه بسته ای است با مساحت حدود ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع که در جنوب غربی قاره آسیا و در جنوب ایران قرار دارد .

زمین شناسان معتقدند که در حدود پانصد هزار سال پیش، صورت اولیه خلیج فارس در کنار دشت های جنوبی ایران تشکیل شد و به مرور زمان، بر اثر تغییر و تحول در ساختار درونی و بیرونی زمین، شکل ثابت کنونی خود را یافت. قدمت خلیج فارس با همین نام چندان دیرینه است که عده ای معتقدند: «خلیج فارس گهواره تمدن عالم یا مبدا پیرائی نوع بشر است.» ساکنان باستانی این منطقه، نخستین انسان هایی بودند که روش دریانوردی را آموخته و کشتی اختراع کرده و خاور و باختر را به یکدیگر پیوند داده اند.

نخستین منابع تاریخی در باره خلیج فارس از زمان فرمانروایان سومری بین النهرین در هزاره سوم قبل از میلاد پدیدار می گردد

به عنوان نمونه، هنگامیکه به تجارت اورنانشی پادشاه لاگاش (۲۶۶۵-۲۴۹۴ ق.م)، در دیلمون (سواحل غربی بخش علیای خلیج فارس) اشاره گردیده است.

اما دریانوردی ایرانیان در خلیج فارس، قریب پانصد سال قبل از میلاد مسیح و در دوران سلطنت داریوش اول آغاز شد. داریوش بزرگ، نخستین ناوگان دریایی جهان را به وجود آورد. کشتی های او طول رودخانه سند را تا سواحل اقیانوس هند و دریای عمان و خلیج فارس پیمودند، و سپس شبه جزیره عربستان را دور زده و تا انتهای دریای سرخ و بحر احمر کنونی رسیدند. او برای نخستین بار در محل کنونی کانال سوئز فرمان کندن ترعه ای را داد و کشتی هایش از طریق همین ترعه به دریای مدیترانه راه یافتند. در کتیبه ای که در محل این کانال به دست آمده نوشته شده است: «من پارسی هستم. از پارس مصر را گشودم. من فرمان کندن این ترعه را داده ام از رودی که از مصر روان است به دریایی که از پارس آید پس این جوی کنده شد چنان که فرمان داده ام و ناوها آیند از مصر از این آبراه به پارس چنان که خواست من بود».

در کتیبه ای از داریوش بزرگ شاه هخامنشی واژه یا عبارت:

درایه تیه هچا پارسه آئی تی. «hacha Parsa aity Draya tya»

بر آبراه خلیج فارس اطلاق شده است که معنای آن «دریایی که از پارس می آید» است. نام برده است و این نخستین مدرک تاریخی است که درباره خلیج فارس موجود است.

-بررسی اسناد و منابع اسلامی و عربی:

چنانکه دانشمند شهیر عرب، «جرجی زیدان» در صفحه ۴۳ جلد دوم از کتاب پرارزش «تاریخ التمدن الاسلامی»، ضمن بیان ابعادی که بحر در نظر جغرافیایان قدیم داشت، استفاده از آن ترکیب را به قرون سوم، چهارم، پنجم و ششم هجری منتسب دانسته و تعبیر امروزی نام دریایی جنوب ایران را خلیج فارس می داند.

جرجی زیدان می گوید:

«بحر فارس - ویراد به عندهم کل البحور المیحطه ببلاد العرب من مصب ماءدجله فی العراق الی ايله فیدخل فیه مانعبر عنه الیوم بخلیج فارس و بحرالعرب و خلیج عدن و البحر الاحمر و خلیج عقبه..».

یعنی:

«دریای فارس - نزد آنان متقدمین همه دریاهایی که سرزمین های عرب از مصب آب دجله گرفته تا ايله را احاطه می کند، به عنوان دریای فارس تعبیر می شده و از آن جمله است آنچه را که ما امروز از آن به «خلیج فارس» و دریای عرب و خلیج عدن و دریای سرخ و خلیج عقبه تعبیر می کنیم». امروز مستدل ترین آثار عربی در انتساب دریای جنوب ایران به سرزمین پارس، ترکیب «خلیج فارس» را به کار می گیرند

ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم الهمدانی مشهور و معروف به ابن الفقیه در اثر جغرافیایی اش مختصر کتاب البلدان که در سال ۲۷۹ق تألیف شده است درباره خلیج فارس چنین آورده است: «و اعلم ان بحر فارس و الهند هما بحر واحد لاتصال احدهما بالآخر».

یعنی:

« بدان که دریای پارس و هند از برای پیوستگی به یکدیگر هر دو یک دریا هستند.»
از جمله معروفترین دائرةالمعارف دنیای عرب یعنی «المنجد» که به عنوان سندی محکم قابل استفاده است، در تسمیه دریای جنوب ایران از ترکیب «خلیج فارس» استفاده می کند. به عنوان مثال در صفحه ۶۶ قسمت «الادب و العلوم» این کتاب چاپ نوزدهم - بیروت ۱۹۶۶، درباره بحرین آمده است:
«البحرین: مجموعه جزر بالقرب من شاطئ الغربی للخلیج الفارسی ۱۱۵/۰۰۰ اکبرها جزیره المنامة....».

یعنی:

«بحرین مجموعه جزایری است واقع در نزدیکی سواحل غربی «خلیج فارس» ۱۱۵/۰۰۰ و بزرگترین آن جزیره منامة نام دارد...».

گذشته از تألیفات، در ترجمه های قرن حاضر نیز استفاده از ترکیب مذکور مرسوم است و ما در اینجا به عنوان نمونه از دو نقشه که در سالهای اخیر به عربی ترجمه و منتشر شده است، یاد می کنیم:
در ترجمه شماره اول کتاب «تاریخ تمدن» ویل دورانت به عربی توسط دکتر زکی نجیب محمود - چاپ قاهره ۱۹۶۵ - ترکیب «خلیج فارس» به کار رفته است.

همچنین در ترجمه کتاب «المسوعة العربیة المیسرة» نوشته دانشمند شهیر «صبحی عبدالکریم»، ترجمه به عربی، محمد شفیق غربال، چاپ قاهره ۱۹۶۵، ترکیب «خلیج فارس» مورد استفاده قرار گرفته است.
دکتر انیس فریجه در ترجمه کتاب تاریخ اعراب نوشته دکتر فیلیپ حتی - چاپ بیروت ۱۹۶۹ - نیز ترکیب «خلیج فارس» را به کار گرفته است.

چنانکه مشاهده شد در آثاری که در نیمه دوم قرن بیستم به عربی ترجمه و نشر شده، در انتساب دریای جنوب ایران به سرزمین فارس، ترکیب «خلیج فارس» بیشتر به کار رفته است.

به طور کلی عظمت و وسعت سرزمین آبادان پارس در منابع عربی به عنوان دلیلی برای توجیه تسمیه دریای پارس اقامه شده است. چنان که یونانیان باستان نیز در مراودات دریایی و ارتباطات سیاسی خود با این سرزمین، به دلیل همین عظمت، وسعت و پیشرفت بود که دریای مزبور را بدان منسوب و موسوم کردند. برای مثال از منابع عربی ذکر می شود:

«ابوعبدالله زکریا بن محمد بن محمود القزوینی» متوفی به سال ۶۸۲ هجری که از علمای برجسته اسلامی است، در کتاب معروف «آثار البلاد و اخبار العباد»، چاپ گوتینگن ۱۸۴۸ میلادی در توجیه تسمیه منطقه فارس و دریای منتسب بدان و همچنین در اهمیت سرزمین فارس، چنین گوید:

«الناحية المشهورة التي يحيط من شرقها کرمان و من غربها خوزستان و من شمالها مفازة خراسان و من جنوبها البحر، سميت بفارس بن الاسور بن سام بن نوح، عليه السلام... و رجاء فی التواریخ ان الفرس ملکوا المالعالم اربعة آلاف سنة. کان اولهم کیومرث و آخر هم یزدجرد بن شهریار الذی قتل فی وقعه

عمر بن خطاب بمرو، فعمرو والبلاد و انعشو العباد»

یعنی:

«سرزمین مشهوری که شرق آن را کرمان و غربش را خوزستان و شمالش را استان خراسان و جنوبش را دریا احاطه کرده است، به نام فارس بن اسورابن سام بن نوح، علیه السلام نامیده می‌شود... و در تاریخ آمده است که همانا ایرانیان ۴ هزار سال بر امور عالم پادشاهی کردند. اول آنها کیومرث بود و آخرشان یزدگرد، فرزند شهریار که در محاربه عمر بن خطاب در مرو به قتل رسید، آنان سرزمین‌ها را آبادان کردند و بندگان را بهره‌مند ساختند.

ابوعلی احمد بن عمر بن رسته در کتابش *الاعلاق النفیسه* و در سال ۲۹۰ ق درباره خلیج فارس چنین نوشته است:

« فاما البحر الهندی یخرج منه خلیج الی ناحیه فارس یسمى الخلیج فارس ... و بین هذین الخلیجین «یعنی خلیج احمر و خلیج فارس» ارض الحجاز و الیمن و سایر بلاد العرب».

یعنی:

« اما دریای هند، از آن خلیجی به سوی ناحیت پارس بیرون آید که خلیج فارس نام دارد... و بین این دو خلیج یعنی خلیج احمر و خلیج پارس سرزمین حجاز و یمن و دیگر بلاد عرب واقع است».

ترکیب این جمله به گونه‌ای است که با ظرافت خاصی، علت این تسمیه را به سمت سرزمین فارس قرار گرفتن آن دریا ذکر می‌کند.

اما «الطاهر بن مطهر المقدسی»، معروف به «بشاری» در صفحه ۱۸ کتاب «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم» چاپ لیدن ۱۹۰۶، شرحی مفصل در این باره آورده و علت این تسمیه را با دقت بیشتری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و می‌گوید:

«فان قيل لم جعلت بحار الاعاجم من السبعة بعد ما قلت ان الله خاطبهم بمایرفونه فالجواب فیه و جهین احد هما ان العرب قد كانت تسافر الی فارس الاتری ان عمر بن الخطاب رضه قال انی تعلمت العدل من کسری و ذکر خشیتة وسیرته والاخران من سار الی هجرو عبادان لابلده من بحر فارس و تیزمکران اولاتری الی اکثر من الناس یسمونه الی حدودالمین بحر فارس و ان اکثر صنایع المراكب و ملاحیهافرس و هومن عمان الی عبادان قلیل العرض. لایجهل المسار فیه»

یعنی:

«اگر گفته شود برای چه دریاها را عجم را هفتگانه دانسته‌ای منظور از دریای‌های هفتگانه فارس عبارت است از: «خلیج فارس»، دریای قلزم، دریای یمن، دریای حبشه، دریای زنگ، دریای هند و دریای چین که در آثار مختلف از آنها نام برده می‌شود بعد از آنکه چنین گفتی، خداوند خطاب به آنها فرموده به آنچه را که خود می‌شناسند آن را اشاره به آیه بیستم از سوره مبارکه الرحمن قرآن مجید که گوید: خداوند دو دریا را روانه کرد. وابن الفقیه و شهاب الدین احمد النویری آن دو دریا را به دریای فارسی و دریای روم معرفی کردند. جواب آن از دو جهت است، یکی اینکه اعراب که به فارس سفر می‌کرده‌اند، نمی‌دیدند مگر آنچه

را عمر بن خطاب گفته است: همانا من دادگری را از کسری آموخته ام منظور انوشیروان عادل است و یاد می‌کند از شکوه او و نیکی اخلاقش. دیگر اینکه اگر کسی به هگر و آبادان بخواهد برود، ناچار است از دریای فارس و کرمان و تیزمکران بگذرد و آیا نمی‌بینید که بیشتر مردم آن دریا را از حدود یمن، بحر فارس می‌نامند و بیشتر کشتی سازان و کشتیرانان آن ایرانی هستند و آن دریا از عمان تا آبادان است با عرض کم و مسافر در آن ناپدید نمی‌شود»

همچنین مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی فلسطینی معروف و مشهور به حاجی خلیفه (وفات ۱۰۶۷ق) صاحب کتاب کشف‌الظنون در کتاب دیگرش جهان‌نما در توصیف خلیج فارس آورده است: [ترجمه از زبان ترکی است] «دریای پارس - به این دریا سینوس پرسیقوس می‌گویند یعنی خلیج فارس به مناسبت اینکه در مشرق آن فارس واقع است بدان نسبت داده می‌شود و آن را ماره پرسیقوم (دریای پارس) نیز می‌گویند.»

در جلد هفتم دایرةالمعارف البستانی نیز که در سال ۱۸۸۳م به چاپ رسیده است برای معرفی خلیج فارس از واژه «الخليج العجمی» استفاده شده است.

و بالاخره «ابوالقاسم بن محمد بن حوقل» در کتاب «صورة الارض» در چگونگی تسمیه دریای فارس و «خلیج فارس» دقت بیشتری به خرج می‌دهد و در صفحه ۲۴۴ فصل فارس با صراحت تمام می‌گوید: «وقد تكرر القول بان بحر فارس خلیج من البحر المحيط فی حدالصین و بلدالواق و هو بحر یجری علی حدود بلدان السند و کرمان الی فارس فینسب من بین سائرالممالک الی علی فارس. لانه لیس علی مملکه اعمر منها و لان ملوک فارس كانوا علی قدیم الايام اقوی سلطانا، و هم المستولون الی یومنا هذا علی ما بعد و قرب من شطوط هذاالبحر ولانا لانعلم فی جمیع بلدفارس و غیرها سفنا تجری فی بحر فارس فتخرج عن حد مملکتها و ترجمع جلالتها و صیانتها الالفارس» یعنی:

«به طور مکرر گفتیم که دریای پارس، خلیجی از بحر محیط اقیانوس کناری در حد چین و شهر واق است و این دریا از حدود بلاد سند و کرمان تا فارس ادامه دارد و از میان سایر ممالک به نام فارس نامیده شده است، زیرا فارس از همه کشورها آبادتر است و پادشاهان آنجا در روزگاران قدیم سلطه بیشتری داشتند و هم اکنون نیز بر همه کرانه‌های دور و نزدیک این دریا تسلط دارند و ما در همه، بلاد دیگر، کشتی‌هایی را که در دریای فارس حرکت می‌کنند و از حدود مملکت خود خارج می‌شوند و با جلال و مصونیت برمی‌گردند، نمی‌شناسیم، مگر آنکه از فارس است»

ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن احمد بن خرداد به خراسانی (وفات ۳۰۰ق) در کتاب خود/المسالک و الممالک در این باره می‌نویسد:

«گروهی از این رودها به سوی بصره و گروهی به سوی مذار [شهری بین واسط و بصره] روانند و سپس همه آنها به دریای پارس می‌ریزند.»

بزرگ بن شهریار الناخته هرمزی (ناوخدای هرمزی) در کتابش عجایب الهند برو بحر و جزایره که در سال ۳۴۲ق آن را تألیف کرده است از واژه « بحر فارس» برای معرفی خلیج فارس بهره برده است. ابواسحاق ابراهیم بن محمد الفارسی الاضطخری (وفات ۳۴۶ق) هم در کتاب خود مسالک الممالک از همین عبارت « بحر فارس» برای معرفی نام خلیج فارس استفاده می کند. مورخ نامدار ابوالحسن علی بن الحسین بن علی مسعودی (وفات ۳۴۶ق) نیز در اثرش « مروج الذهب و معادن جوهر» در ذکر خلیج فارس عبارت « بحر فارس» را به کار برده است. مسعودی در کتاب دیگرش « التنبيه و الاشراف» هم واژه « البحر الفارسی» را برای شناساندن خلیج فارس به کار گرفته است.

ابوریحان محمد بن احمد البیرونی الخوارزمی (وفات ۴۴۰ق) نیز در آثار خود واژه های « دریای پارس - خلیج پارس - بحر پارس» را برای معرفی خلیج فارس ذکر کرده است. ابن حوقل در اثرش « صورة الارض» و بشاری در کتابش احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم که به ترتیب در سالهای ۳۶۷ق و ۳۷۵ق تألیف شده اند، واژه « بحر فارس» را به جای خلیج فارس به کار برده اند در کتاب « حدود العالم من المشرق الی المغرب» هم در معرفی خلیج فارس از عبارت « خلیج فارس» بهره گرفته شده است.

محمد بن نجیب بکیران در کتابش جهان نامه؛ ابن البلخی در کتابش فارسنامه؛ شرف الزمان طاهر مروزی در اثرش طبایع الحیوان؛ ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن ادیس در کتاب نزهه المشتاق فی اختراق الآفاق؛ شهاب الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله حموی رومی در کتاب مشهورش معجم البلدان؛ ابوعبدالله زکریا بن محمد بن محمود قزوینی در کتاب آثار الباقیه و اخبار العباد؛ در کتاب عجائب المخلوقات و غرایب الموجودات؛ ابوالفداء در کتاب تقویم البلدان؛ و شمس الدین ابوعبدالله محمد بن ابی طالب الانصاری الدمشقی الصوفی در کتابش نخبه الدهر فی عجایب البر و البحر به ترتیب واژه ها و عبارات : « بحر پارس - دریای پارس (و هم بحر پارس) - الخلیج الفارسی - بحر فارس - دریای پارس (و هم بحر فارس) - دریای پارس - بحر فارس (و دریای پارس) - بحر فارس و بحر الفارسی (و بحر فارس)» را در معرفی و ذکر خلیج فارس به کار برده اند. این عبارات و واژه ها به طور مکرر طی قرون پنجم تا یازدهم قمری در کتب و منابع تاریخی و جغرافیایی زیر نیز ذکر شده است : شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب بن محمد النویری در کتاب نهایت الادب فی فنون العرب؛ حمدالله ابی بکر مستوفی در کتاب نزهه القلوب؛ ابوحفص زین الدین عمر بن مظفر معروف به ابن الوردی در کتاب حزیده العجائب و فریده الغرایب؛ ابن بطوطه در کتاب خود تحفه النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار؛ ابوالقاسم محمد بن حوقل در کتاب صورة الارض؛ و کتاب صبح الاعشی فی کتابه الانشاء نوشته احمد بن علی بن احمد القلقشندی. ملاحظه می نمائید که گذشته از سابقه غیر قابل انکار نام خلیج فارس در اسناد عربی و اسلامی، در اسناد و آثار یونانی و اروپایی نیز خلیج فارس، در کانون توجه قرار داشته است.

-بررسی اسناد و منابع یونانی و اروپایی:

فلاویوس آریانوس (Flavius Arrianus) مورخ یونانی که در قرن دوم میلادی می‌زیسته است در کتابش *آنا‌بازیس* برای نام خلیج فارس واژه « پرسیکون کای تاس Persikon Kaitas » را به کار می‌برد که معنا و مفهوم آن قرابت نزدیکی با عبارت « خلیج فارس » دارد.

« استرابون Strabon » جغرافی‌دان معروف یونانی هم که در نیمه قرن اول میلادی زندگی می‌کرد در کتاب خود مکرراً از همین واژه برای معرفی خلیج فارس بهره برده و به ویژه تصریح می‌کند که اعراب بین دریای سرخ و خلیج فارس (پرسیکون کا ای تاس) روزگار می‌گذرانند.

کلودیوس پتوله ما اوس (Claudius Ptolemaeus) معروف و مشهور به بطلمیوس بزرگترین جغرافیادانان عالم در قرون اولیه پس از میلاد در قرن دوم میلادی از آبراه خلیج فارس تحت نام « پرسیکوس سینوس Persicus Sinus » ذکر کرده است که دقیقاً به مفهوم « خلیج فارس » است. در برخی منابع لاتین این واژه به صورت سینوس پرسیکوس و « ماره پرسیکوم Mare Persicum » هم ذکر شده است که معنای عبارت اخیر دریای پارس است.

لازم به یادآوری است که در بسیاری از زبانهای زنده دنیا نیز همین واژه سینوس پرسیکوس برای معرفی نام خلیج فارس وارد شده است. چنانکه در زبانهای : فرانسه به صورت : Golfe Persique؛ . انگلیسی Persian Gulf؛ آلمانی Persischer Golf؛ ایتالیایی Golfo Persico؛ روسی Persidskizaliv؛ ژاپنی Perusha Wan؛ و ترکی Farsi Korfozi ثبت شده است.

کوین توس کورتیوس روفوس (Quintus Curtius Rufus) مورخ رومی هم در قرن اول میلادی نام لاتین « آکوآرم پرسیکو Aquarum Persico » را برای نام خلیج فارس به کار برده است که به معنای آبگیر پارس است.